

وجود تجربه‌هایی مانند محکومیت آپارات و دیوار، درگیری‌های پلتفرم‌های نمایش خانگی، چالش‌های ادامه‌دار اسنپ و مسائل مشابه برای پلتفرم‌های مطرح داخلی خبر از ضرورت تسریع در روند تبیین حدود مسئولیت حقوقی بازیگران اقتصاد دیجیتال دارد

تمامی شعارهایشان، در مواجهه با بازیگران و فناوری‌هایی که فراتر از اختیار و پیش‌بینی آنها امکان عمل دارند، احساس خطر می‌کنند! استیضاح مدیر پلتفرم چینی تیک تاک در کنگره و فراخواندن مدیر شرکت هوش مصنوعی OpenAI به سنای آمریکا؛ تدوین قوانین سخت‌گیرانه اتحادیه اروپا در موضوعات هوش مصنوعی، خدمات دیجیتال و داده در مدت زمان کوتاهی هم‌زمان با انتقادات بسیاری از پلتفرم‌ها؛ تشدید مقررات نظارت بر پلتفرم‌های اقتصاد دیجیتال در چین؛ همه و همه بیانگر وجود دغدغه و چالش مشترک میان دولت‌های مختلف در مواجهه با بسترهای فناورانه است.

بدیهی است مفهومی که در ماهیت خود نوآوری، اثر شبکه‌ای، نوپدیدار شون‌دگی و سرعت را به همراه دارد، آزمون دشواری برای دولت‌ها در شان تنظیم‌گر خواهد بود و چابکی رگولاتور را به چالش خواهد کشید. با اینکه برخی ویژگی‌های اقتصاد دیجیتال مانند عدم تمرکز و توزیع‌شدگی با ذات قدرت متمرکز حاکمیت‌ها در تعارض است، اما ضرورت توسعه اقتصاد دیجیتال بر هیچ‌کس پوشیده نیست. در این میان ضرورت پاسخی درخور به دغدغه دولت‌ها در باب گزاره‌هایی چون حفظ قدرت حکمرانی، امکان مشاهده‌پذیری فعالیت‌های بازیگران، عدم انتقال داده‌های کاربران و قابلیت تنظیم‌گری در کنار بهره‌گیری از ظرفیت‌های اقتصاد دیجیتال غیرقابل انکار است. از این رو، ذیل مسأله تعاملات دولت و بازیگران حوزه اقتصاد دیجیتال، مفهومی با عنوان «مسئولیت پلتفرم‌ها» شکل می‌گیرد. به واسطه تعدد تعابیر نسبت به مفهوم پلتفرم، بررسی و مفهوم‌شناسی این واژه به کمک پیشبرد بحث حاضر خواهد آمد. Platform یا سکو در پهنه دیجیتال به بستری گفته می‌شود که هم‌رسانی عرضه‌کنندگان متکثر به متقاضیان متکثر را عهده‌دار است. مسئولیت پلتفرم به معنای چهارچوب و حدود حقوقی بر عهده‌سکوهاست که حاکمیت و کاربران امکان مطالبه آن را دارند. درست هم‌تراز با میزانی که این حدود به صورت شفاف و صریح تبیین شوند، پلتفرم‌ها نسبت به عملکرد خود پاسخگو خواهند بود. این نقطه یکی از اساسی‌ترین وظایف دولت‌ها در مواجهه با پلتفرم‌هاست و جایگاهی است که دولت بر اساس راهبرد خود امکان قاعده‌گذاری برای پلتفرم‌ها را در اختیار دارد. البته قابل توجه است که حتی این مدل تنظیم‌گری نیز در همه زمینه‌ها و در تمامی کشورها موفق نبوده است، لیکن به عنوان یکی از بهترین سازوکارهای موجود حکمرانی فضای مجازی قابل بررسی است.

علیرغم رشد اقتصاد دیجیتال در ایران، وجود موانع غیرقابل پیش‌بینی، عدم تدوین ضوابط مشخص و الزام به پاسخ‌گویی به نهادهای نظارتی و متولیان متعدد مانع از توسعه این حوزه متناظر با ظرفیت موجود بوده است. در این میان تجربه‌های خاص در چهارچوب فضای دیجیتال داخل کشور، اهمیت تعیین حدود مسئولیت پلتفرم‌ها را بیش از پیش مشخص می‌کند. محکومیت پلتفرم آپارات به واسطه بارگذاری محتوایی با مالکیت صداوسیما توسط یکی از کاربران، محکومیت پلتفرم دیوار پس از استفاده کاربران از کلیدواژه‌ای خاص برای ثبت تبلیغات غیرمشروع و... نمونه‌های از چالش‌های ایجاد شده میان این پلتفرم‌ها با دستگاه قضایی کشور است. مسأله‌ای که نهادهای متفاوتی در حاکمیت را به ناچار درگیر خود کرد و در بستر جریان‌های اجتماعی نیز بروز فراوانی داشت. این در حالی است که تحقیقاتی عملیاتی توسط کاربر خاصی رخ می‌دهد اما پیش از محکومیت او، حاکمیت و پلتفرم درگیر مسائل متعارضی می‌شوند. ناظر به این توضیحات ضرورت وجود چهارچوب مشخصی از مسئولیت‌های هر یک از بازیگران مشهود است. این در حالی است که با

توجه به گستره فعالیت پلتفرم‌ها در شئون مختلفی چون تبدلات مالی، سرگرمی، ارتباطات و... تعیین حدود و مسئولیت‌های پلتفرمی نیازمند تدقیق و متناسب‌سازی در هر حوزه به صورت مجزا است. طبیعتاً این مسأله به سهولت قابل احصاء نیست؛ اقتضائات در هر حیطه فعالیت، مسائل و چالش‌های مستقلاً را ایجاد خواهد کرد که با استاندارد و شاخص‌های متفاوتی قابل بررسی است. به عنوان مثال پلتفرم‌های اشتراک ویدیو به واسطه امکان بارگذاری محتوا توسط کاربران با پلتفرم‌های بازارگاه فعال در بستر معاملات تجارت الکترونیک با مسائل مختلفی روبه‌رو خواهند بود.

یکی از مسائل قابل تأمل در این زمینه، وجود حوزه‌هایی است که دولت موفق به ایجاد نظام تنظیم‌گری در آن نشده است. اساساً فناوری‌های نو ظهور به صورت طبیعی و به سبب سرعت ایجاد و تحول، یک گام پیش‌تر از قانون‌گذار حرکت می‌کند؛ به همین واسطه تدوین مقررات، ایجاد مجوز و ضوابط در چنین بستری به صورت سنتی امکان‌پذیر نخواهد بود. از طرفی حتی سازگار تعیین حدود مسئولیت نیز در حوزه‌های مقرر گذاری نشده پاسخگو نیست. در چنین شرایطی دو مسیر پیشروی تنظیم‌گر خواهد بود:

- ممانعت از فعالیت کسب‌وکارها در چنین حوزه‌هایی مادامی که قانون‌گذاری شوند.
- جواز به شروع فعالیت بازیگران این حوزه‌ها در محیط‌های آزمون هم‌زمان با تدوین ابتدایی چهارچوب‌ها و تکمیل مستمر قواعد و مسئولیت‌ها.

در این نقطه، رویکرد دولت‌ها در مواجهه با فناوری‌های نوپدید تعیین‌کننده مسیر انتخابی خواهد بود. با توجه به شکل‌گیری محیط آزمون (سند باکس) ذیل وزارت اقتصاد در سال‌های اخیر، به نظر می‌رسد رویکرد دولت ایران به انتخاب مسیر دوم نزدیک‌تر است.

در حوزه‌های مقررات‌گذاری شده اما عملکرد دولت نسبت به تعیین چهارچوب حقوقی مسئولیت پلتفرم‌ها، از عدم چابکی متناسب با بسترهای فناورانه حکایت دارد. وجود تجربه‌هایی مانند محکومیت آپارات و دیوار، درگیری‌های پلتفرم‌های نمایش خانگی، چالش‌های ادامه‌دار اسنپ و مسائل مشابه برای پلتفرم‌های مطرح داخلی خبر از ضرورت تسریع در روند تبیین حدود مسئولیت حقوقی بازیگران اقتصاد دیجیتال دارد. با توجه به توسعه پلتفرم‌های بزرگ با تعداد کاربر بیشتر از ۱۰ میلیون نفر در داخل کشور و مقیاس‌پذیری آنها پس از گذار از مرحله استارت‌آپ، اکنون به نظر می‌رسد گام برداشتن در مسیر طراحی و ایجاد بستر فعالیت پلتفرم‌های «مسئولیت‌پذیر» اجتناب‌ناپذیر است. البته باید توجه داشت، بخش عمده‌ای از مسئولیت پلتفرم‌ها، فراهم‌سازی زیرساخت‌های پیش‌گیری از تخلفات محتمل است؛ لیکن فراتر از این حدود، مسئولیت تخلف بر عهده کاربر خواهد. مسأله‌ای که تاکنون در قوانین مدون شده مغفول مانده است که پاسخ به آن شاید در گرو تبیین مسائلی چون مالکیت داده در کشور است.

برآورد موارد مذکور بیانگر این نکته است که تعامل میان پلتفرم‌ها با حاکمیت به عنوان گلوگاه توسعه اقتصاد دیجیتال، در ایران مشابه سایر کشورهای جهان با چالش روبه‌رو است و پاسخ قطعی ندارد. شاید در این میان تعیین چهارچوب‌ها و حدود مسئولیت پلتفرم‌ها و بازیگران حوزه اقتصاد دیجیتال پاسخی نسبتاً مناسب در جهت رفع این مسأله باشد. در این میان هم‌افزایی دولت و پلتفرم‌ها در تدوین این چهارچوب، در جهت مانع‌زدایی از فعالیت‌های مشروع و مولد، پویایی اقتصاد دیجیتال ایران و حفظ ظرفیت‌های نخبگان این حوزه در داخل کشور ضرورتی اجتناب‌ناپذیر خواهد داشت.